



شرحی بر کتاب های:

پند نامه - بی سر نامه - ببل نامه

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

حسین لاشیء

« هـ و »

پیش‌گفتار:

کتاب‌های پند نامه و بلبل نامه و بی‌سر نامه به سرنوشت کتاب جوهر/الذات دچار شده و مورد بی‌مهری برخی از ادیبان قرار گرفته که توجه‌شان به متن از دیدگاه ادبی بوده است و نه عرفانی. از دیدگاه عرفانی مضامین این کتاب‌ها همان مضامین منطق‌الطیر و مصیبت نامه است. و حتی در کتاب جوهر/الذات با مضامین بلندتری نیز مواجه هستیم. آنچه این سه اثر را از آثار مسلم انگاشته شده شیخ جدا می‌سازد، تصریح او به ارادت و عشق نسبت به ساحت مقدس امیر المومنین علی(ع) است. به نظر بنده همین امر علت اصلی انکار یا تردید در انتساب این آثار به شیخ عطار می‌باشد. درحالی‌که اگر با دیده انصاف به کتابی مثل مصیبت نامه نگریسته شود به‌ویژه در آنجا که شیخ در منقبت امام حسین(ع) سخن به‌میان آورده است، می‌توان اوج ارادت و عشق و خضوع شیخ را در مقابل خاندان عصمت و طهارت مشاهده کرد. به گفته خواجه بزرگ شیراز:

چون طهارت نبود کعبه و بتخانه یک است نبود خیر در آن خانه که عصمت نبود

در این که به ظاهر شیخ عطار از اهل سنت بوده یا خیر بحثی نمی‌کنیم، اما در باطن قطعاً شیخ از عاشقان و ارادتمندان مولا علی(ع) و خاندان پاک آن حضرت بوده است. در این نکته نیز نباید تردید کرد که حقیقت و باطن تشیع همان ارادت، معرفت و عشق به ساحت مقدس امیر المومنین(ع) و خاندان پاک آن حضرت می‌باشد و معارفی مثل فقه و کلام و فلسفه ظاهر تشیع را تشکیل می‌دهد. به بیان ساده‌تر، شیخ در ظاهر ممکن است اهل تسنن ولی در باطن قطعاً اهل تشیع بوده است. و این همان مطلبی است که برخی از ادیبان و نویسندگان آن را برنمی‌تابند. «وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَالَهُ مِنْ نُورٍ». بی دلیل نیست که در اواخر عمر شیخ یک بار تمام آثار در دسترس او را جمع کرده و آتش زدند و خود او نیز در معرض تکفیر و مرگ قرار گرفت. شیوه بیان شیخ در کتاب پند نامه همان شیوه سخن در منطق‌الطیر است. او کلام خود را با توحید و نعت پیامبر(ص) و خلفا آغاز می‌کند و سپس هم‌چون کتاب مصیبت نامه به بیان فضیلت ائمه شیعه به نحو جامع‌تر می‌پردازد و بالاخره سخن خود را در مقدمه کتاب با یک مناجات کوتاه پایان می‌بخشد. مخاطب پند نامه عمدتاً سالکین مبتدی و متوسط می‌باشد؛ از این رو سخن شیخ بر حسب مراتب سالکین دارای فراز و فرود است، تا آنجا که حتی عامه مردم هم می‌توانند از برخی از پندهای آن بهره‌مند شوند. از یک‌سو به نکوهش غیبت و دروغ و پرگویی و از سوی دیگر به بیان ضرورت ریاضت نفس و تجرید و تفرید می‌پردازد. شیخ بر آن است که سرّ توحید را در کتاب بی‌سر نامه آشکار سازد، گنج حقیقی در درون جسم انسان؛ بلکه بالاتر از آن در درون روح انسان پنهان است. اگر آدمی بتواند از خیال منیت خویش بگذرد، آن گنج پنهان و آن سرّ مخفی آشکار می‌گردد، هم‌چنان که در منصور حلاج چنین شد. تکرار مصرع «من خدایم من خدایم من خدا» در این کتاب نه به معنای خدا بودن انسان است، بلکه بر اساس توضیح مصرع دوم این بیت، وقتی انسان از کبر و کینه و هوای نفس خالی شد، در قلب او چیزی جز خدا نخواهد بود که «القلب حرم الله...» شیخ در پایان کتاب پس از طرد

مدعیان معرفت و سلوک که جر از طریق پیامبر(ص) سیرسلوک می کنند در یک مناجات پایانی، یادآور می شود که جز آن معشوق حقیقی کسی و چیزی در دو جهان وجود ندارد و عاشق او با خون دل خویش وضو می سازد و به سوی او نماز می برد.

در کتاب *بلبل نامه* شیخ عطار بازگوکننده داستان شیدایی و غربت و رنج عاشق از زبان بلبل است. بلبل آن عاشقی است که همه مرغان از دست او به فغان آمدند و شکایت او را نزد سلیمان برده اند. سلیمان ابتدا او را مورد عتاب قرار می دهد ولی در پایان وقتی از احوال درون او آگاه می شود به مرغان معترض توصیه می کند که شما که تاب قوت نطق و سخن او را ندارید او را با معشوقش به حال خود رها کنید و دست از بدگویی او بشویید. بلبل نیز دور از همه مرغان هم چنان در گلستان دور از چشم اغیار به عشق بازی با معشوقه خود می پردازد تا آنکه وصال دوست برایش میسر می گردد، و از این به بعد دیگر نمی توان درباره او سخن گفت.

حسین لاشیء زمستان ۱۳۹۹